

سخن سردبیر

حکمرانی بحران در جهان اسلام بر مبنای تعاون محوری

بحرانها و بلایا می‌توانند آسیب‌های بزرگی را به بار آورند و منجر به ایجاد اختلالات گسترده و نظام یافته در تمامی ارکان جامعه در سطوح مختلف سازمانی، محلی، ملی و بین‌المللی می‌گردند. هر ساله در سراسر جهان، زمین‌لرزه، سیل، خشکسالی، تروریسم و مخاطرات دیگر، موجب کشته شدن ده‌ها هزار نفر، زخمی شدن صدها هزار نفر و میلیاردها دلار ضرر و زیان اقتصادی می‌شود. البته این پدیده‌ها می‌توانند نیرویی برای تغییر سازنده، رشد و نوسازی نیز باشند. بحران می‌تواند باعث تغییر شکل سریع نهادها، ایجاد تغییر در جوامع، اکوسیستم‌ها، کاهش ثبات اقتصادی و حتی تغییرات گسترده در باورها و اعتقادات افراد جامعه گردد. بحرانها و بلایا همواره با زندگی بشر عجین بوده‌اند، شرکت‌ها و سازمان‌ها را غافلگیر می‌کنند و نقاط عطفی را در تاریخ ملت‌ها بوجود آورده‌اند.

کمیته بین‌المللی نجات (IRC) کشورهای بحران زده و در معرض خطر در سال ۲۰۲۰ را ارزیابی کرده است. در حالی که این ده کشور کمتر از ۶ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، آنها میزبان بیش از نیمی از کل افراد در جهان هستند که به کمک نیازمند هستند و تقریباً سه چهارم پناهندگان جهان را تولید کرده‌اند.^۱ بر اساس فهرست ارائه شده از سوی IRC به عنوان ده بحران برتر بین‌المللی در سال ۲۰۲۰، متأسفانه شش بحران از ده بحران برتر متعلق به کشورهای اسلامی است. متأسفانه در دوره ای بسر می‌بریم که جهان اسلام دائماً با بحرانهای مختلف طبیعی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و بویژه تروریسم مواجه است و ساز و کار مشخص و یکپارچه‌ای نیز برای مدیریت چنین بحرانهایی وجود ندارد. امروزه اکثریت دولتهای کشورهای اسلامی نه تنها کارآیی و مشروعیت خود را برای مدیریت بحران امت اسلام از دست داده‌اند، بلکه خودشان خاستگاه و منشأ شکل‌گیری بسیاری از این بحرانها در جهان اسلام محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، سازمان همکاری اسلامی (OIC) به عنوان دومین سازمان بین‌الدولی بعد از سازمان ملل متحد با ۵۷ کشور عضو، نه تنها در حوزه رسیدگی به بحرانهای جهان اسلام کارآمد نبوده، بلکه خودش دچار بحران

1. IRC (International Rescue Committee) (2020), The top 10 crises the world should be watching in 2020, New York: International Rescue Committee, pp.1-20.

یکپارچگی، مشروعیت و هویت شده است. همین امر نگارنده را واداشت تا در فرصتی که برای سخنرانی وی در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در آبان ماه ۱۳۹۹ فراهم شده بود، ایده حکمرانی بحران در جهان اسلام بر مبنای تعاون محوری را مطرح سازد.

در این ایده مفاهیم کلیدی همچون بحران، حکمرانی، امت اسلام و تعاون محوری مطرح شده است که هر یک از آنها مختصراً تشریح می‌گردد. بحران یک رویداد غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی است که تهدیدی برای انتظارات ذینفعان سیستم است، نیازهای غیرعادی را بر سیستم تحمیل می‌کند، باعث ایجاد شرایط نامعلوم در آن می‌شود، اثر منفی بر روی عملکرد سیستم دارد، به شکل بالقوه پیامدهای منفی تولید می‌کند، تهدیدی برای اهداف با اولویت بالا است و به سیستم ذینفعانش آسیب می‌زند.^۱ «بحران» یعنی «خطر» و «فرصت». به عبارت دیگر در شرایط بحران، «فرصت» از دل خطر به دست می‌آید. لذا بحران را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «نقطه‌ی تحول به سمت بهتر یا بدتر شدن»، «لحظات سرنوشت‌ساز»، «زمان حیاتی». یعنی یک موقعیتی که به مرحله‌ی وخامت رسیده است.^۲

اصطلاح «حکمرانی» که در ایده مذکور در زمینه مدیریت بحران و بلایا مورد استفاده قرار گرفته، اصطلاحی است که در بسیاری از حوزه‌های بخش عمومی استفاده می‌شود. بر اساس شاخصه‌های معرفی شده از سوی سازمان ملل متحد، مولفه‌های حکمرانی عبارتند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌سازی، عدالت و انصاف، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی. در زمینه‌های مدیریت بحران و بلایا، حکمرانی بحران به معنای ظرفیت نهاد متولی بحران برای اجرای وظایف خود و ارائه خدمات با همکاری سازمان‌های خصوصی و غیرانتفاعی است. به عبارت دیگر، حکمرانی عبارت است از ظرفیت نهادی و همکاری میان بخشی و شبکه‌های بین سازمانی. «ظرفیت نهادی» برای استفاده از ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه خدمات، نقش مهمی در مدیریت بحران دارد. وقتی دولت‌ها توانایی لازم برای مدیریت این ابزارها را نداشته باشند، می‌توانند منبع خطر برای شهروندان خود شوند. «همکاری بین بخشی» دومین تعریف از حکمرانی است که پیامدهای مهمی نیز برای مدیریت بحران دارد. مدیریت بحران و بلایا ذاتاً یک

1. Coombs Timothy and Hollada Sherry J. (2010), the Handbook of Crisis Communication, John Wiley & Sons Ltd , p.97.

2. Shaluf Ibrahim and Ahmadun Fakhurul-razi and Said Aiani Mat (2003) A review of disaster and crisis, Disaster Prevention and Management, Vol.12, No.1, pp.29-30.

کار مشترک است. نهادهای مدیریت اضطراری در تلاش هستند تا شبکه‌هایی از ذینفعان را توسعه دهند تا بتوانند به عنوان شرکای همگن در جهت مدیریت مؤثر وقایع بحران فعالیت کنند. شبکه‌ها به عنوان ابزارهای خط‌مشی در پهنه وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ به ویژه در زمینه‌هایی مانند بهداشت روانی و خدمات اجتماعی. با این حال، مدیریت چنین شبکه‌هایی کار ساده‌ای نیست. این امر به این دلیل است که برخلاف سلسله مراتب بوروکراتیک که سفت و سخت و سلسله مراتبی هستند؛ شبکه‌ها دارای ویژگی روان و سیال بودن، سازمان‌یافتگی افقی و پیچیدگی می‌باشند.^۱

واژه‌ی «امت» در قرآن برای گروهی از انسان‌ها که بر اساس دین و احکام الهی و رهبری الهی متحد شده و اقدام به تشکیل یک جامعه دینی با اهداف مشترک کرده‌اند، بکار رفته است. امت در اندیشه سیاسی اسلام، مفهومی انحصاری و ویژه برای جامعه‌ی مسلمانان است که تحت حکومت قوانین اسلامی بوده و دارای عقیده و اهداف مشترک هستند. لذا تنها ملاک عضویت در آن، عقیده مشترک اسلامی است و شرایط شکل دهنده ملیت و ملی‌گرایی و ملاک‌های نژادی و جغرافیایی در آن نقش ندارد. قرآن کریم با محور قرار دادن مفهوم «امت» در جامعه دینی مسلمانان، ویژگی‌هایی از قبیل: شورا و مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، ایمان به خدا و اقامه نماز و برقراری قسط و عدالت اجتماعی در جامعه را برای امت اسلام، بر می‌شمارد و ضمن خطاب قراردادن امت اسلام به «بهترین امت‌ها»، با بر شمردن اختصاصاتی، این امت را «امت وسط»، معتدل و میانه رو که به مثابه ملاک و معیار سنجش سایر امت‌ها و در نهایت، شاهد و گواه بر امت‌های دیگر می‌باشد؛ قلمداد کرده است.

مفهوم تعاون محوری ارتباط تنگاتنگی با حکمرانی دارد، به گونه‌ای که در تعاون محوری تلاش می‌گردد تا با استفاده از مشخصه‌های حکمرانی و شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده در آن، از ظرفیت‌های انسانی برای کمک به هم‌نوعان استفاده شود. بر اساس تعالیم قرآن، تعاون و همکاری، جوهره سازمان محسوب می‌شود و به عنوان یک اصل زیربنایی، از انسانها می‌خواهد که در زندگی اجتماعی، همکاری و تعاون را سرلوحه اقدامات خود قرار دهند. «اصل تعاون و همکاری» یک اصل کلی اسلامی است که باعث انسجام و سازمان‌یافتگی فعالیت‌های انسانی می‌شود. خداوند

1. Demiroz Fatih (2018), Governance in Crisis Management, in: Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance, Edited by Ali Farazmand, Switzerland: Springer International Publishing , pp.2850-3.

متعال در آیه ۲ سوره مبارکه مائده، اصل تعاون محوری و الزامات مربوط به آن را برای مسلمانان بیان فرموده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ «و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و برگناه و تجاوز همکاری نکنید». آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. این اصل اساسی باید مبنای اقدامات تعاون محورانه و فصل الخطاب در این زمینه باشد؛ ولی متأسفانه امروزه در برخی کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم که حتی بر خلاف این اصل عمل می‌شود. طبق این اصل، مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند، ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است؛ هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد. اسلام، خط بطلان بر این قانون جاهلی کشیده است و دستور می‌دهد تعاون و همکاری مسلمین با یکدیگر باید تنها در کارهای نیک و برنامه‌های مفید و سازنده باشد، نه در گناه و ظلم و تعدی. جالب توجه اینکه «بر و تقوا» هر دو در آیه فوق با هم ذکر شده‌اند، که یکی جنبه اثباتی دارد و به اعمال مفید اشاره دارد، و دیگری جنبه نفی داشته و اشاره به جلوگیری از اعمال خلاف می‌باشد. به این ترتیب تعاون و همکاری باید هم در دعوت به نیکیها و هم در مبارزه با بدیها انجام گیرد. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی و خویشاوندی، با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام بر می‌دارند، همکاری کنند و از همکاری کردن با افراد ستمگر و متعدی در هر گروه و طبقه‌ای که باشند، خودداری نمایند، بسیاری از نابسامانیهای اجتماعی سامان می‌یابد.

با عنایت به نکات بیان شده در خصوص مفاهیم کلیدی ایده حکمرانی بحران در جهان اسلام بر مبنای تعاون محوری، بایستی در اولین قدم، ساختار و تشکیلاتی مبتنی بر ساختار مجازی و شبکه‌ای در جهان اسلام بوجود آید و هیات امنای یا هیات عاملی مرکب از چندین شخصیت برجسته علمی و مذهبی جهان اسلام، مسئولیت سیاستگذاری و هماهنگی فعالیتهای حکمرانی بحران را بر عهده گیرند و با انتصاب فردی متخصص و خوشنام به عنوان دبیر کل با شرح وظایف اجرایی مشخص، بحرانهای مختلف در جهان اسلام را مدیریت نمایند. در ذیل این نهاد مرکزی نیز شبکه‌ای از نهادهای مدنی و خیریه در سراسر جهان دعوت به همکاری شوند و یا با همکاری متخصصان، سیاستمداران، تجار، رجال مذهبی، هنرمندان، ورزشکاران و سایر قشرهای جامعه اسلامی، نهادهای مدنی و خیریه جدید تاسیس و از طریق شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات رسانه‌ای به یکدیگر مرتبط

شوند. این سازمان‌های مردم نهاد و شبکه‌های اجتماعی با عنایت به سیاستها و دستورالعملهای تعیین شده، نقش فعالی در تمام چهار مرحله مدیریت بحران و بلایا (آمادگی، کاهش، واکنش، و بازیابی) ایفا خواهند کرد.

امید است شرایطی فراهم شود تا امت اسلام در سایه تعاون محوری و با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم دو میلیارد نفری مسلمانان در سرتاسر جهان بتوانند در پیشگیری از بحرانها، تقویت تاب‌آوری و کاهش آلام انسانی در جهان اسلام و همچنین نوع بشر گامهای موثرتری بردارند.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir

<http://www.prof-moghimi.ir>